

## نقعه زن در فقه امامیه و حقوق فرانسه

حمید کاویانی فرد\*، فریده اصغری\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۸)

### چکیده

تبیین مبانی، اسباب، شرایط و احکام نقعه زوجه و تشریح برخی از ادله آن می‌تواند تصویری روشن از اصل تعادل، عدالت و تناسب را به جامعه عرضه کند. این نوشتار به دنبال بررسی تطبیقی نقعه زن در فقه امامیه و حقوق فرانسه است. مسئله اصلی این پژوهش مبانی و چگونگی وجوب نقعه، شرایط اسقاط نقعه، معیار تعیین مقدار نقعه و آثار ترک انفاق و ضمانت اجرایی آن در فقه امامیه و حقوق فرانسه است. از این رو در این نوشتار تلاش شده است با روش توصیفی که با توجه به ماهیت و نوع مطالعه «تطبیقی»، در چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه انجام می‌پذیرد، پاسخ مسائل اصلی پژوهش ارائه شود. این پژوهش تطبیقی، افزون بر ارزش علمی آن، می‌تواند راهی برای ایجاد تفاهم و نزدیکی آرای ملل و بستر ساز نزدیکی آنان و جلوگیری از تعصب کورکورانه و امکان قبول آرای مخالف و باز کردن راه اجتهاد روش مند از طریق آشنایی با آرا و ادله مخالفان باشد و تأثیر به‌سزا و مفیدی در شکل‌گیری قوانین مستقن و کارآیی و جامعیت قابل توجه، نظام‌های حقوقی داشته باشد.

### کلیدواژگان

رژیم حقوقی، حقوق فرانسه، شرایط وجوب و اسقاط نقعه زوجه، ضمانت اجرایی انفاق، معیار تعیین مصادیق نقعه زوجه، نقعه زوجه.

---

\* استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

\*\* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: Asghari\_110@yahoo.com

## مقدمه

در ساختار خانواده اسلامی، مرد، عهده‌دار سرپرستی خانواده و تأمین معاش و هزینه‌های ضروری همسر و فرزندان خویش است؛ همان‌گونه که زن، نقطه اتکای خانواده از جهت آسایش و آرامش روحی است. تبیین مبانی، اسباب، شرایط و احکام نفقه زوجه و تشریح برخی از ادله آن می‌تواند تصویری روشن از اصل تعادل، عدالت و تناسب را به جامعه عرضه کند.

«انفاق» از مباحث تعهد در روابط زوجین است. دخالت حقوق در این مقوله به منظور تأمین نظم و ثبات در جامعه لازم و ضروری است. هدف از این پژوهش، بررسی تطبیقی نفقه زن در فقه امامیه و حقوق فرانسه است. پژوهش به شیوه تطبیقی، افزون بر ارزش علمی آن، می‌تواند راهی برای ایجاد تفاهم و نزدیکی آرای ملل و بسترساز نزدیکی آنان و جلوگیری از تعصب کورکورانه و امکان قبول آرای مخالف و باز کردن راه اجتهاد روش‌مند از طریق آشنایی با آرا و ادله مخالفان باشد و تأثیر به‌سزا و مفیدی در شکل‌گیری قوانین متقن و کارآیی و جامعیت قابل توجه، نظام‌های حقوقی داشته باشد.

مسئله اصلی این پژوهش مبانی و چگونگی وجوب نفقه، شرایط اسقاط نفقه، معیار تعیین مقدار نفقه و آثار ترک انفاق و ضمانت اجرایی آن در فقه امامیه و حقوق فرانسه است. لذا در این نوشتار تلاش شده با روش توصیفی که با توجه به ماهیت و نوع مطالعه «تطبیقی»، در چهار مرحله توصیف<sup>۱</sup>، تفسیر<sup>۲</sup>، همجواری<sup>۳</sup> و مقایسه<sup>۴</sup> انجام می‌پذیرد، پاسخ مسائل اصلی پژوهش ارائه شود.

## ادبیات پژوهش

معنای لغوی «نفقه» به معنای مال خارج شده از ملک است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۳۵۷/۱۰) در فقه امامیه واژه «نفقه» غالباً در انفاق و صرف مال برای افراد واجب‌النفقه یعنی زن، خویشان نزدیک و

- 
1. Description
  2. Interpretation
  3. Juxtaposition
  4. Comparision

آنچه که در ملک انسان است، به کار رفته است. (انصاری، ۱۴۱۵، ۲۹۷/۵) اما در حقوق فرانسه «تعهد انفاق»<sup>۱</sup> به عنوان یک تکلیف دو جانبه و دو طرفه است و به معنای تأمین معاش فردی به وسیله فردی دیگر بطور مستمر و به صورت مستمری نفقه تا انقضاء مدت معینی است. (حقوق مدنی فرانسه<sup>۲</sup>، ۱۸۰۴: ماده ۲۰۶-۲۰۵).

علی شریف (۱۳۷۶) ضمن مطالعه نفقه و تمکین در حقوق ایران و کشورهای پیشرفته، به بررسی این موضوع در حقوق خانواده و تشریح نحوه کار دادگاه‌های حمایت خانواده، مسایل حقوقی و جزایی همراه با تحقیق و تتبع در آثار محققین و مطالعه در اغلب ادیان و مذاهب با در نظر گرفتن قوانین و آداب اقلیت‌های مذهبی و انطباق آن با قوانین خانواده و ... پرداخته است. هدف او آشنایی خانواده ایرانی به خصوص زنان با مهم ترین حقوق و تکلیف خود یعنی انفاق و تمکین، بوده و از این رو بیشتر به بررسی جنبه حقوقی نفقه پرداخته است.

سعید محسنی (۱۳۷۹) به کنکاش مسایل حقوقی نفقه زن پرداخته و نیم‌نگاهی هم به استدلالات فقهی داشته است. از اهداف تحقیق ایشان، دسترسی دانش پژوهان به منبعی از حقوق فرانسه در مورد نفقه بوده است که، به راحتی و بدون نیاز به منابع اصلی که به زبان فرانسه است، به آن مراجعه کنند.

حسن فرشتیان (۱۳۸۱) پس از بررسی معنای نفقه، تاریخچه نفقه در میان اقوام و ملل و مکاتب الهی، در مورد مبنا و ماهیت حقوقی و ادله فقهی نفقه بحث می‌کند. سپس ارکان و شرایط نفقه را واکاوی و آن را در آیین‌ها و ادیان دیگر مورد تطبیق قرار می‌دهد. شرایط وجوب نفقه و موارد سقوط نفقه و ویژگی‌های آن و نفقه پس از انحلال نکاح و ضمانت اجرایی نفقه نیز از مواردی است که به آن می‌پردازد. او نیز بیشتر جنبه‌های حقوقی بحث نفقه را پیگیری کرده، اگرچه برای تطبیق این نظام‌های حقوقی به شریعت اسلام، به مباحث فقهی هم به صورت گذرا پرداخته است. شهره صادقی (۱۳۹۰) پس از ارائه تعاریف نفقه، تمکین و نشوز، به تاریخچه نفقه در ایران

1. pension alimentaire

2. Le Code civil des Français ( Code Napoléon )

باستان و کشورهای آسیایی، اروپایی، آفریقایی و آمریکایی و هم چنین در اسلام و مکاتب الهی دیگر و نظام‌های حقوقی برخی از کشورها می‌پردازد. مبانی فقهی و اسباب و شرایط وجوب و ماهیت نفقه زوجه و هم چنین مقدار و احکام سقوط آن و هم چنین چگونگی آن در انحلال نکاح در مذاهب خمس، از دیگر مواردی است که او از آن بحث می‌کند. شایان توجه است که برای موضوع پژوهش حاضر، مورد مشابهی یافت نشد.

### انواع رژیم حقوقی در روابط مالی زوجین

رژیم مالی عبارت است از مجموعه قواعدی که دارای خاستگاه قانونی یا قراردادی بوده و هدف آن تعیین وضعیت مالی زوجین در روابط آن دو با یکدیگر از یک طرف و روابط آن دو با اشخاص ثالث از طرف دیگر باشد. (Encyclopedie, Dalloz)

در فقه امامیه رژیم واحدی بر روابط مالی زوجین حکومت می‌کند، زوجین دارای استقلال مالی هستند و اداره اموال هر کس با خود اوست. زن در تأمین هزینه‌های زندگی تعهدی ندارد و فقط شوهر است که متعهد نفقه می‌باشد.

در حقوق مدنی فرانسه انواع مختلف رژیم مالی وجود دارد که زوجین باید در قرارداد ازدواج<sup>۱</sup> خود یک نوع رژیم مالی را برای حکومت بر روابط مالی خود انتخاب کنند.

این رژیمها به دو گروه اشتراکی<sup>۲</sup> و افتراقی<sup>۳</sup> تقسیم می‌شوند. رژیمهای اشتراک اموال با وجود یک مجموعه اموال مشترک که کم و بیش بین طرفین مشاع می‌باشد، مشخص می‌شود که پس از انحلال نکاح، بین زن و شوهر تقسیم می‌شود. رژیمهای اشتراک می‌تواند مشمول همه اموال، اموال منقول و دارایی‌ها و تنها دارایی‌هایی است که زوجین در طول ازدواج بدست می‌آورند، شود. در مقابل، در رژیمهای افتراقی فقط اموال اختصاصی زوجین وجود دارد. بنابراین، این گونه رژیمها، هیچ تلاقی و برخوردی با امر مالکیت، تقسیم اموال و تعهدات راجع به دیون، برای زوجین به

1. Le contrat de mariage  
2. Régimes communautaires  
3. Les regimes separatistes

وجود نمی‌آورد. تا قبل از تصویب قانون جدید، سه نوع رژیم مالی افتراقی وجود داشت که عبارت بود از: ۱. رژیم جدایی اموال ۲. رژیم بدون اشتراک ۳. رژیم جهیزی. پس از تصویب قانون ۱۹۶۵م. به دلیل تعارض دو رژیم اخیر با اهداف قانونگذار در توسعه اختیارات زن - از آنجا که در دو رژیم اخیر اختیارات زن و شوهر بسیار نامتعادل بود - این دو رژیم حذف گردید و به جای آن رژیم مشارکت در دارایی‌ها جایگزین شد. از این رو در حال حاضر فقط دو نوع رژیم افتراقی وجود دارد: ۱. رژیم جدایی اموال ۲. رژیم مشارکت در دارایی‌ها. (Encyclopedie, Dalloz) در رژیم مشارکت در دارایی‌ها، در واقع جامع قواعد دو رژیم کاملاً متعارض، رژیم افتراق اموال و رژیم اشتراک دارایی‌ها است. از این رو قانون ۱۹۶۵م. تعریف روشنی از آن در بند ۱ ماده ۱۵۶۹ به دست می‌دهد و چنین مقرر می‌دارد: «هنگامی که زوجین اعلام می‌کنند که تحت رژیم مشارکت در دارایی‌ها ازدواج می‌کنند، هر یک از آن دو، در اداره، انتفاع و تنظیم اموال خویش، اختیار کامل دارند. بدون این که بین اموال موجود وی در زمان ازدواج یا اموالی که از آن زمان، به وسیله ارث و بخشش به دست می‌آورد و اموالی که وی به صورت معوض در دوران ازدواج کسب می‌نماید، فرقی باشد. در دوران ازدواج این رژیم، همانند رژیم افتراق اموال عمل می‌کند و با انحلال نکاح، هر یک از زوجین در نصف ارزش اضافی از دارایی خالص دیگری شریک می‌شود و با ارزیابی مضاعف دارایی اصلی و نهایی، وضعیت آنان، متوازن خواهد شد».

لازم به ذکر است که در این رژیم هم همانند رژیم جدایی مطلق اموال، به معنای دقیق کلمه، اموال به اموال اختصاصی و دارایی‌های مشترک تقسیم نمی‌شود و برای هر یک از زوجین تنها یک دسته اموال وجود دارد، اما اموال اکتسابی معوض در دوران ازدواج به استثنای منافع، یک ماهیت اشتراکی دارد، بدین معنا که افزایش ارزشی که در دارایی یکی از زوجین به وجود می‌آید با انحلال نکاح، تقسیم می‌شود. (Henri et Leon Mazeaud, P.596)

### مبانی نظری نفقه زن

فقه امامیه بر اساس ظرافت و لطافت جسم و روح زن برای او حقوق و تکالیفی در رابطه زناشویی مطرح کرده است. بی‌تردید مکلف نمودن زن به شرکت در تهیه مایحتاج زندگانی، مستلزم آن است

که زن در امور اجتماعی و مشاغل عمومی شرکت جوید و این الزام موجب آن است که زن از کارهای اختصاصی خود مانند بارداری، وضع حمل، پرورش کودک و انجام امور خانه باز ماند. از این رو شریعت اسلام زن را از شرکت در پرداخت هزینه زندگی معاف کرده و نفقه او را در هر حال به عهده مرد گذارده است. نفقه دختر تا زمان اختیار شوهر به عهده پدر و پس از آن بر ذمه شوهر است.

بنا به عقیده‌ی مشهور فقهای امامیه، تأمین آنچه زن برای ادامه زندگی به طور متعارف به آن نیاز دارد و نفقه نامیده می‌شود، بر اساس ادله استنباط احکام در فقه امامیه، آیات، روایات متواتر و اجماع؛ بر عهده‌ی زوج است. خدای متعال پس از بیان احکام طلاق و مدت شیر دادن با بیان: (وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...) (بقره: ۲۳۳) مردان را به تأمین خوراک و پوشاک مادران مکلف می‌سازد. (شیخ طوسی، ۱۴۰۹، ۲/۲۵۶) پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز در خطبه حجّه الوداع در باره حق زن بر شوهر فرمودند: «همانا زنان بر شما حقی دارند و شما نیز بر آنان حقی دارید... رزق و روزی و پوشاک آنها به نحو متعارف و پسندیده به عهده شماست». (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۳۳) از امام صادق (ع) در مورد حقی که زن بر مرد دارد پرسیدند و حضرت فرمود: «يُشِيعُهَا وَيَكْسُوَهَا وَإِنْ جَهَلَتْ عَفَرَ هَذَا... زن را سیر کرده و بدنش را بپوشاند و اگر مرتکب جهالتی شد، وی را ببخشد.» (کلینی، ۱۳۶۷، ۵/۵۱۱)

دلایل پیش گفته به صراحت بر وجوب نفقه زن دلالت دارد و نفقه را حق زن دانسته و مرد را به تأمین آن مکلف می‌سازد. این موضوع حقوقی با فرهنگ‌سازی اخلاقی نیز همراه است؛ امام صادق (ع) از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «ملعون ملعون من ضيع من يعول؛ مورد لعن و نفرین و ملعون است کسی که خانواده و عائله خویش را ضایع کند.» (صدوق، ۱۴۰۴، ۲/۶۸)

بر این پایه در حقوق ایران، مبنای حقوقی حکم نفقه، ماده ۱۱۰۶ ق.م.ا است که قانونگذار در این ماده به صراحت و بدون هیچ گونه ابهامی، نفقه زن را بر عهده مرد قرار داده است: «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است».

در حقوق فرانسه که رژیم مالی خانواده مبتنی بر سیستم اشتراک اموال است، باید مبنای نفقه را در تکلیف متقابل زوجین بررسی نمود. بعضی نویسندگان فرانسوی (Jean Pelisser, P. 11) مبنای الزام به انفاق در حقوق فرانسه را «قرابت» می‌دانند. بعضی مبنای نفقه را «حس تعاون اجتماعی» می‌دانند. چون مردم با یکدیگر برادرند، تعهد اخلاق در معاضدت یکدیگر دارند. در گروه کوچکی مثل خانواده این حس به طرف اولی بیشتر است. بنابراین افراد فامیل تعهد دارند به یکدیگر رسیدگی کنند. هر گاه تمام افراد خانواده در حالت فقر و نیازمندی بسر ببرند و کسانی از فامیل نباشند که نفقه دیگران را پردازند، مسأله انفاق و تعاون عمومی مطرح می‌شود که امروزه در بسیاری از کشورها و از جمله فرانسه، این تعهد به صورت نهادینه قانونمند در آمده است. به همین دلیل در قانون اساسی سال ۱۷۹۳ فرانسه این اصل پذیرفته شده است که: «اجتماع باید زندگی افراد نگون بخت را تأمین کند، خواه از طریق تهیه کار و خواه از طریق تأمین وسایل زندگی جهت کسانی که از کار کردن معذورند.» به همین منظور است که فرمان ۲۴ ژانویه ۱۹۶۵، به نام «قانون خانواده و تعاون اجتماعی» با ۱۲۴ ماده درآمد. (شریف، ۱۳۷۶، ص ۲۵)

با توجه به این که یکی از شرایط وجوب نفقه در فقه و حقوق ما که در ذیل به آن خواهیم پرداخت، «قرابت» است؛ و در حقوق فرانسه نیز «قرابت» یکی از اسباب پرداخت نفقه ذکر شده؛ به نظر می‌رسد در این مورد، اشتراک نظر داریم.

### شرایط وجوب نفقه زوجه

در فقه امامیه، نفقه به سه سبب «زوجیت، قرابت و ملکیت»، واجب می‌شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ۴۳۸/۸ و نجفی، ۱۳۶۶، ۳۰۱/۳۱) از مطالعه اسباب سه گانه وجوب نفقه، روشن می‌شود که هر کدام از اینان، شرط لازم برای وجوب نفقه هستند اما شرط کافی نیستند. برای مثال در بحث نفقه زن، زوجیت، شرط لازم استقرار وجوب نفقه بر ذمه زوج به نفع زوجه می‌باشد، اما شرط کافی نیست. مشهور فقیهان امامیه شرایطی همچون دائمی بودن عقد ازدواج و تمکین کامل زوجه برای استحقاق نفقه زوجه مطرح می‌کنند. (میرزای قمی ۱۳۷۵، ۳۵۹/۴، حکیم، ۱۴۱۰، ۳۰۶/۲، آیت الله خوئی (۲، ۱۴۱۰/ ۲۸۷)

در حقوق فرانسه شرایط وجوب نفقه را می‌توان چنین برشمرد:

۱. وجود رابطه زوجیت ۲. احتیاج متعهده ۳. امکانات متعهد انفاق

شرایط مربوط به وجوب نفقه در قانون مشخص شده است و حاکم بر روابط زوجین است. در عین حال طرفین خودشان نیز می‌توانند شرایط مورد نظر خود را در قرارداد بگنجانند. در هر حال تعیین نفقه، متعهد و میزان آن، بستگی به ارزیابی نیازها و امکانات طرفین دارد.

**الف) احتیاج متعهده نفقه:** طلبکار انفاق نباید در شرایطی باشد که بتواند امرار معاش خود را تأمین کند. به ویژه اینکه، یک فعالیت با درآمد نداشته باشد. در یک دادرسی مربوط به افتراق جسمانی، قضاات ورسای، عقیده داشتند که طلبکاری که از سن و استعداد کافی برای پیدا کردن یک کار که بخشی از امرار معاش او را تأمین کند، برخوردار بوده، نمی‌بایست پست‌های اداری پیشنهاد شده به او را رد کند. در حالی که سن بچه‌های او به وی امکان انجام شغل تمام وقت را می‌دهد.

بنابراین استدلال، مستمری نفقه او را که بر عهده همسر دیگر بود، کاهش دادند. بنابراین طلبکار انفاق باید فاقد کار بوده، هیچ عایدی که با آن بتواند هزینه‌های خود را تأمین کند، نیز نداشته باشد. به تعبیر دیگر نه درآمد ناشی از کار و نه درآمد ناشی از سرمایه نباید داشته باشد. در این خصوص باید بین ویژگی تولید کنندگی و سودمند بودن سرمایه‌ای که متعهده در اختیار دارد و عدم آن، تفکیک نمود. قضاات از توانایی بسیار مؤثری برای ارزیابی برخوردار می‌باشند و نه تنها درآمدهای قطعی سرمایه بلکه درآمدهایی را هم که اداره سرمایه می‌تواند موجب شود، در نظر می‌گیرند.

**ب) امکانات متعهد انفاق:** متعهد انفاق باید در شرایطی باشد، که بتواند نفقه را فراهم کند. بررسی امکانات متعهد، با کسر کردن هزینه‌های مخصوص متعهد انفاق و احتساب تمام امکانات، درآمدهای سرمایه و اموال او، صورت می‌گیرد. کمک‌های مالی مثل کمک‌های جبران کننده از یک شخص ثالث یا مستمری بازنشستگی علی‌رغم خصوصیت غیر قابل توقیف بودنشان، جزء مجموع دارایی به حساب می‌آیند. به علاوه، می‌توان به منظور محاسبه امکانات متعهد نفقه، روی امکانات شخصی که با وی زندگی مشترک زناشویی دارد نیز حساب کرد. از جهت تحمل بار اثبات دعوی،



بنابر اصول عمومی حقوق<sup>۱</sup>، تحمل این مسأله به عهده خواننده<sup>۲</sup> می‌باشد. گر چه قضات، بعضاً از اماره ظاهر برای تغییر بار اثبات استفاده می‌کنند. متعهد انفاق می‌تواند با توسل به یک عامل تبرئه کننده از تعهد انفاق، از خود دفاع کند.

در حقوق فرانسه که تعهد انفاق یک تعهد دو طرفی است، بحث تمکین و نشوز به صورتی که در حقوق ما بررسی شد، قابل طرح نیست. اما با این همه، چنانچه همسری که متعهدله نفقه است، در تکالیف خود کوتاهی کند، مقام قضایی برای تعیین مستمری نفقه، مبلغ کمتری تعیین خواهد نمود. و حتی ممکن است حکم به سلب حق نفقه نیز بدهد. مثلاً در ماده ۳۰۳ قانون مدنی بند ۲ در خصوص افتراق جسمانی، سلب حق پیش بینی شده است. بدین ترتیب قضات می‌توانند در اجرای قدرت مطلق خود در ارزیابی، کم کاری‌های شدید زن نسبت به شوهر را حساب کرده، مبلغ تعهد انفاق شوهر بکاهند. در بحث طلاق نیز ماده ۱-۲۸۰ قانون مدنی، تقصیر و کوتاهی همسر را در تعیین نفقه مؤثر می‌داند. طبق این ماده همسری که به دلیل خطای صرف او حکم طلاق صادر شده است، هیچ حقی بر نفقه ندارد. (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۸۱)

به نظر می‌رسد که: شرایط وجوب نفقه در هر دو حقوق، در وجود داشتن «رابطه زوجیت» مشترک هستند؛ اما احتیاج متعهد له که در فقه و قانون ما متعهد له «زن» است، نه تنها شرط نشده بلکه حتی در صورت متمول بودن هم استحقاق دریافت نفقه را دارد. در شرایط وجوب نفقه، در مورد «امکانات متعهد نفقه» که در فقه و حقوق ما، مرد می‌باشد؛ شرط نشده است.

### اسقاط نفقه زن

نفقه زوجه، پس از منعقد شدن صحیح عقد نکاح، بر عهده شوهر است و تأمین مخارج زن از اولین وظایف شوهر در زندگی مشترک با همسر خود می‌باشد، اما این امر بدان معنا نیست که در

---

1. Droit Commun  
2. Defendeur

همه حال، این تکلیف متوجه زوج بوده و هیچ گاه ساقط نمی‌شود، بلکه در صورت حصول شرایطی، این تعهد ساقط می‌شود.

در فقه امامیه عواملی همچون نشوز زن، ارتداد زن، صغیر بودن زن یا شوهر، ابراء، مسافرت زن، عبادت زن و تهاثر سبب اسقاط نفقه زوجه می‌شود. علامات برای زن ناشزه است؛ عبوس کردن در روی شوهر، تمرد در مقابل حاجت‌های شوهر و تغییر عادات خود در آداب و خروج از منزل بدون اجازه شوهر. (نجفی، ۱۳۶۶، ۲۰۱/۳۱) گفتنی است خوف و ترس از ضرر بدنی، مالی و یا شرافتی را مانع مشروع برای عدم حضور زن در منزل شوهر، قلمداد شده است و همچنین ابتلا به یکی از امراض مقاربتی، بودن در حیض و نفاس، روزه واجب، انجام عمل واجب مضیق، نهی پزشک از آمیزش به دلیل بیماری، در حالت احرام و اعتکاف واجب زن و ... موانع شرعی برای تمکین خاص است. (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۵۶۹/۲ و امامی، ۱۳۹۱، ص ۵۹۱)

در حقوق فرانسه نیز مواردی پیش بینی شده که به موجب آن، نفقه ساقط می‌شود. مهمترین این موارد عبارتند از:

#### الف) اسقاط حق نفقه توسط متعهدله

تعهد انفاق در حقوق فرانسه از خصیصه نظم عمومی برخوردار است و مقررات مربوط به آن جزء قواعد آمره می‌باشد. حقوقدانان فرانسه (Jean Carbonnier, P. 86) برای آثار عقد ازدواج دو ویژگی قائل هستند که یکی از این دو، ویژگی نظم عمومی آثار مزبور است. به همین دلیل است که زوجین نمی‌توانند بر خلاف آن توافق‌هایی در عقد ازدواج خود بنمایند. با توجه به این مطالب، اسقاط نفقه ممکن نیست. حتی درباره حق بازبینی مستمری نفقه نیز گفته‌اند، که حق درخواست بازبینی یا حذف یک مستمری نفقه به صورت صرف نظر کردن چشم پوشی نمودن غیر ممکن است چون نفقه از مصادیق نظم عمومی است.

آنچه گفتیم درباره نفقه آینده بود. والا ممنوعیت مزبور ناظر به نفقه زمان‌های منقضی شده نمی‌باشد. بلکه برای اسقاط نفقه گذشته، در حقوق فرانسه یک اماره ساده وجود دارد. متعهدله نفقه اگر مستمری مطالبه نکند، فرض می‌شود که نیازمند نیست یا نسبت به زمان‌های منقضی شده از

نفقه چشم پوشی کرده است. با این همه این مطلب فقط یک اماره ساده است که خلاف آن را می‌توان اثبات نمود.

#### ب) سقوط نفقه به دلیل خطای متعهد له

بر اساس بند اول ماده ۲۰۷ قانون مدنی «هر گاه متعهدله نفقه، از تعهدات خودش در برابر متعهد انفاق، شانه خالی کند، قاضی می‌تواند متعهد انفاق را از تمام یا قسمتی از تعهداتش مبرا سازد.» این مقرر در قانون سه ژانویه ۱۹۷۲، قاعده سلب حق نفقه را به تمام موارد تعهد انفاق متقابل مسری و تعمیم داده است. قبل از سال ۱۹۷۲، بند دوم ماده ۳۷۹ قانون مدنی چنین سلب حقی را فقط به نفع فرزندی که والدینش از مقام ولایت معزول شده‌اند، پیش بینی می‌شود.

در مورد خطای متعهد له، این سلب حق در بعضی مقررات خاص و مخصوصاً در بند دوم ۳۰۳ قانون مدنی در ارتباط با افتراق جسمانی دیده می‌شود. به این ترتیب قضاوت می‌توانند در اجرای اختیار مطلق خود در خصوص ارزیابی، روی تقصیر و کوتاهی نمودنهای زن در برابر شوهرش، به منظور کاستن میزان نفقه از عهده شوهر، حساب کنند. همچنین سلب حق در ماده ۱- ۲۸۰ قانون مدنی پیش بینی شده است؛ همسری که حکم طلاق به دلیل خطای صرف او صادر شده است، نسبت به نفقه هیچگونه حقی نخواهد داشت.

#### ج) مرور زمان

اصولاً طبق قواعد عام به موجب ماده ۲۲۷۷ قانون مدنی مرور زمان دعای پرداخت مستمری نفقه گذشته، پنج سال است (مرور زمان مسقط حق). ولی رویه قضایی، علیرغم ماده مزبور، قاعده‌ای جدید وضع کرده است که به موجب آن «حقوقهای ماهانه متعدد نفقه قابل جمع نمی‌باشند.» بهر حال پس از انقضاء مدت زمانی که مشمول مرور زمان قرار بگیرد، نفقه گذشته ساقط و اقامه دعوی غیر ممکن می‌گردد. (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱) به نظر می‌رسد که: حقوق فرانسه و حقوق ایران از این جهت شباهت‌هایی دارند. در هر دو نظام حقوقی، نفقه آینده قابل اسقاط نیست ولی متعهدله نفقه می‌تواند ذمه همسر خود را از نفقه گذشته ابراء نماید.

بند دوم موارد سقوط نفقه در فرانسه بی‌شباهت به مورد نشوز در فقه و حقوق ایران نیست.

### نفقه زن پس از انحلال نکاح

نفقه زن مربوط به زمانی است که رابطه زوجیت بین زن و شوهر برقرار باشد، با گسستن این رابطه، نفقه هم قطع می‌شود؛ با این وصف، فقها و قانون‌گزاران استثناهایی قایل شده و در مواردی پس از انحلال پیوند زناشویی هر چند علت (علقه زوجیت) منتفی می‌شود، اما معلول (لزوم نفقه) باقی خواهد ماند؛ البته به این دلیل که در بعضی موارد، هنوز همه علقه‌ها و پیوندها کاملاً گسسته نشده است. تمام فقیهان امامیه بر وجوب نفقه در ایام عده طلاق رجعی، اتفاق نظر دارند. (نجفی، ۱۳۶۶، ۳۱/۳۱۷) ایشان به ادله سه‌گانه کتاب و سنت و اجماع تمسک جسته‌اند. (طلاق: ۱ و کلینی، ۱۳۶۷، ۶/۱۰۴، نجفی، ۱۳۶۶، ۳۱/۳۱۶؛ بحرانی، ۱۴۰۹، ۲۵/۱۰۸)

اما در مورد نفقه زن در عده وفات در صورت عدم بارداری، تمامی فقیهان امامیه بر این باورند که نفقه در ایام عده وفات بر ذمه زوج نیست تا از ترکه برداشته شود، زیرا با از میان رفتن سبب و شرط وجوب نفقه (تمکین یا علقه زوجیت، و ..) مسبب یا مشروط نیز منتفی است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ۳/۵۱۰) اما در صورت بارداری، بین فقها دو قول وجود دارد؛ برخی از فقهای امامیه از جمله شیخ طوسی حکم به وجوب نفقه زن در عده وفات داده‌اند اما اکثر فقها با استناد به روایاتی دیگر، معتقدند که زن حامله‌ای که شوهرش فوت کرده، نفقه‌ای از ترکه شوهر و از سهمیه فرزند ندارد. (محقق داماد، ۱۳۹۰، ۳۰۳)

بعضی از علمای حقوق قدیم فرانسه معتقد بودند که چون قرابت سببی منحصرأ با ازدواج به وجود می‌آید با مرگ هم پایان یافته و آثار آن نیز به کلی محو می‌شود. و بعضی عقیده داشتند به اینکه فوت در آثار قضایی این پیوند هیچگونه تغییری به وجود نمی‌آورد. اما رویه قضایی نسبت به این موضوع حالت بینابینی را انتخاب نموده و به اصطلاح حد فاصل بین قطع و فصل را انتخاب کرده است. (شریف، ۱۳۷۶، ص ۱۷۷) به موجب ماده ۱- ۲۷۰ ق. م. ف. تعهد انفاق بر ماترک همسر متوفی به نفع همسر باز مانده، برقرار می‌شود که وی می‌تواند اجرای آن را ظرف مهلت یکسال مطالبه کند. (J. Rubellin – Devichi, P. 654) البته این در صورتی است که همسر بازمانده محتاج باشد. این نفقه از ارث پرداخت می‌شود و بر عهده تمام وراث است که تنها به خاطر

ارتباطشان با اموالی که ارث را تشکیل می‌دهد، موظف به چنین تکلیفی هستند. این تعهد متفاوت از سهم الارث همسر می‌باشد و با حقوق ارثیه قابل جمع است. تقسیم ارث و استحقاق سهم الارث باعث از بین رفتن حق نفقه نمی‌باشد. برای تعیین مبلغ این نفقه، قاضی بدوی باید نیازهای متعهدله و میزان ترکه را در تاریخ قضاوت، ملاحظه کند. مستمری مورد بحث (مستمری پس از فوت همسر) تابع رژیم حقوقی نفقه است و به این جهت قابلیت کاهش (تعديل) و حذف را در شرایطی که متعهدله نفقه از منابع جدیدی برخوردار شود، دارا است.

### معیار تعیین مقدار نفقه زن

با بررسی نظرات فقهای امامیه و حقوق دانان به سه نظریه مختلف در مورد میزان نفقه زن، دست می‌یابیم:

#### الف) توان اقتصادی زوج

عده کمی از فقهای شیعه، ملاک تعیین میزان و کیفیت نفقه را توان اقتصادی شوهر می‌دانند. (شیخ طوسی، بی تا، ۶/۶ و قاضی ابن براج، ۱۴۰۶، ۳۴۵/۲) ایشان به آیه ۷ سوره طلاق «لینفق ذُوسَعَةً مِنْ سَعَتِهِ...» استدلال می‌کنند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۹، ۳۸/۱۰)

همچنین محقق اردبیلی با اشاره به پایان آیه که می‌فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيِّجَعُلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» استدلال می‌کند خداوند هیچ کس را تکلیف نکرده است مگر به اندازه‌ای که به وی داده است؛ زیرا عقلاً محال است که خداوند تکلیف بمالایطاق و یا تکلیف به کار پرمشقت و غیر مقدور کند. (محقق اردبیلی، بی تا، ص ۵۴۱)

#### ب) وضعیت اجتماعی زن

نظر مشهور فقه در این نظریه، موقعیت و شأن خانوادگی و اجتماعی زن و نیازمندی‌های او، ملاک در تعیین مقدار نفقه است. ایشان به آیه شریفه «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۸) استدلال می‌کنند. (شهید اول، لمعه، ۱۴۱۱، ص ۱۷۷ و شهید ثانی، بی تا، ۴۶۹/۵)

قائلان به این نظریه، به دلایل گروه اول (که ملاک در تعیین مقدار نفقه زوجه را حال زوج می‌دانستند) پاسخ داده‌اند که:

۱. شهرت این قول در بین فقهای امامیه، حتی اگر به عنوان دلیل قاطع پذیرفته نشود، به عنوان موید قوی قابل طرح است.
۲. آیه قرآن نهی از مضاره و ضرر رسانیدن به همسران کرده است و اگر بخواهیم ملاک را حال زوج بدانیم، لازم می‌آید در فرضی که زوج فقیر است و شأن زوج، نیازمندی‌های بیشتری را می‌طلبد، به زوج ضرر برسد.

### ج) ملاحظه موقعیت زوجین

علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه ۲۳۳ سوره بقره (وعلى المولود له رزقهن وكسوتهن بالمعروف...) می‌فرماید: «خرجی و لباس نفقه هستند و خدای عزوجل این خرجی و نفقه را مقید به معروف کرد، یعنی متعارف از حال زوجین، لذا با توجه به حال زوج و زوجة نفقه پرداخت می‌شود.» (المیزان، بی تا، ۲/۲۴۰)

در حقوق فرانسه بدون تردید معیار تعیین میزان نفقه دو عامل است: ۱- میزان نیاز متعهدله نفقه ۲- میزان امکانات متعهد نفقه.

چون نیازها و منابع ممکن است تغییر کند، میزان تعهد انفاق نیز حتی اگر به طریق قضایی تعیین شده باشد، قابل تغییر است. (J. Rubellin – Devichi, P. 652)

برای ارزیابی بدهی نفقه، قاضی باید مجموع امکانات شخص متعهد نفقه را به طوری که نیازهای متعهدله را پوشش دهد، ملاحظه کند. این امکانات شامل تمام عایدی و درآمد‌های در دسترس می‌باشد، از هر طبیعتی که باشد، حتی اگر غیر قابل توقیف باشد مثل مستمری بازنشستگی و مستمری از کارافتادگی حتی اگر متعهد نفقه ازدواج کرده باشد، (ظاهراً ناظر به مورد نفقه پس از طلاق است) یا به صورت کنکویناژ<sup>۱</sup> زندگی بکند، امکانات یار (شریکش) نیز برای ارزیابی مبلغ بدهی نفقه محاسبه می‌شود.

در رابطه با تعیین میزان مشارکت در مخارج زندگی نیز، باید توان مالی زوجین و قدرت متقابل

آنها را به نسبت سن و وضعیت سلامت آنها حساب کرد. در مورد نفقه پس از فوت نیز که از ارث، به همسر نیازمند متوفی داده می شود، قاضی بدوی باید نیازهای متعهدله نفقه و توان ترکه را در تاریخ رسیدگی، ملاحظه کند. (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۶۵)

به نظر می رسد ملاک تعیین نفقه در حقوق فرانسه به ماده ۱۱۰۴ ق.م. ایران که زوجین ملزم به معاوضت یک دیگر در تشیید مبانی خانواده هستند و یک رابطه بینا بینی است، نزدیک باشد و مثل حالت سوم ملاک تعیین نفقه در فقه و حقوق ایران که ملاحظه موقعیت زوجین بود، می باشد.

### آثار ترک انفاق و ضمانت اجرایی آن

بر اساس مطالب پیش گفته شوهر در زندگی زناشویی ملزم به پرداختن هزینه های زندگی همسر خود است. پرسش این است که اگر از انجام این وظیفه امتناع کند و یا توانایی مالی پرداخت نفقه را نداشته باشد، فقه امامیه و حقوق فرانسه، هر کدام چه راه حل هایی را در پیش روی زن می گذارند؟ به بیان دیگر ضمانت اجرای الزام مرد به پرداخت نفقه چیست؟

مشهور فقیهان امامیه بر این باورند که اگر شوهر معسر باشد و نتواند نفقه بدهد، زن باید صبر کند تا خداوند در کار شوهر وسعت ایجاد کند به دلیل قول خداوند تبارک و تعالی: « و إن کان ذو عسرة فنظرة إلى میسرة» (بقره: ۲۸۰) «اگر (بدهکار) قدرت پرداخت نداشته باشد او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید» و این حکم عام است و شامل این مورد هم می شود. بنابراین حتی اگر زن درخواست طلاق بدهد، حاکم نباید بپذیرد. اما عده ای مخالف این نظر، زن را مخیر می گذارند بین اینکه صبر کند تا شوهرش متمکن شود و یا از حاکم تقاضای طلاق نماید و حاکم طلاق بدهد و .... ( شیخ طوسی، بی تا، ۶ / ۲۱)

تنها علامه حلی از ابن جنید نقل کرده که او با استدلال به روایاتی، فتوا داده است که اگر شوهر نتواند نفقه زن را بپردازد، زن حق طلاق پیدا می کند و می تواند جدا شود. به علاوه، نپرداختن نفقه، موجب ضرر و عسر و حرج زوجه است که به اجماع، نباید زمینه عسر و حرج را فراهم کرد. (۱۴۱۸، ۳۲۸/۷)

اما در صورت عدم اعسار و استنکاف مرد از پرداخت نفقه از مصادیق نشوز زوج محسوب

می‌شود. چون نشوز صفتی است که اختصاص به زن ندارد و ترک انفاق یا خودداری از انجام وظایف دیگری که مرد مکلف به ادای آن است، موجب نشوز مرد می‌شود؛ لذا در این حالت، زن حق رجوع به دادگاه و مطالبه حق خود را دارد (نجفی، ۱۳۶۶، ۲۰۷/۳۱)

از این رو در صورتی که اجرای حکم دادگاه دایر بر محکومیت زوج به پرداخت نفقه از این روش امکان نداشته باشد، دادگاه زوج را مجبور به طلاق خواهد کرد و چنانچه از اجرای طلاق نیز خودداری کند، دادگاه به ولایت بر ممتنع، طلاق را جاری می‌سازد. (آیت الله خوئی، منهج الصالحین، ۱۴۱۰، ۲۸۹/۲)

در حقوق فرانسه راجع به ترک انفاق تا قبل از سال ۱۹۰۷ مقرراتی موجود نبود و فرانسوی‌ها از این حیث دچار اشکال می‌شدند چون اشخاص و افراد زیادی با دختران ازدواج کرده و سپس آن‌ها را بدون خرجی و سرپرست رها کرده خود به جای دیگری مسافرت می‌نمودند. این بود که قانونگذار فرانسوی در سال ۱۹۰۷ نظریه‌ای را از حقوق سایر کشورها گرفته وارد قوانین خود نمود و آن عبارت از این بود که هر گاه کارگری مبادرت به چنین عملی می‌کرد او را محکوم به پرداخت مخارج زن نموده و چنانچه حاضر به پرداخت نمی‌شد کارخانه، مخارج زنش را از حقوق او کسر گزارده مستقیماً به خود زن می‌داد. (شریف، ۱۳۷۶، ص ۱۰۴)

در حال حاضر، در حقوق فرانسه برای تعهد انفاق لاقلاً از دو جهت ضمانت اجرا وجود دارد. استاد کاربونیو دو ضمانت اجرای مزبور را چنین بیان می‌کند:

الف) اگر یکی از زوجین در انجام تعهد خود در مورد مشارکت در هزینه‌های زندگی، کوتاهی نماید، طرف مقابل مانند هر متعهدله دیگری می‌تواند او را از طریق توقیف اموالش مجبور به اجرای تعهد نماید. قانون برای روابط نفقه‌ای بین زوجین مقررات توقیفی خاص - توقیف حقوق نزد شخص ثالث<sup>۱</sup> که ناشی از کار یا عواید دیگر باشد - پیش بینی کرده است. (ماده ۲۱۴ قانون مدنی فرانسه و ماده ۸۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه). این راه حل از نظر اجتماعی مربوط است به



وضعیت شخص حقوق بگیری که حقوق خود را به جای صرف در جهت نیازهای زندگی، حیف و میل می‌کند. دادگاه می‌تواند به همسر چنین شخصی اجازه بدهد که از کار فرمای وی قسمتی از حقوق او را که متناسب با نیازهایش و نیازهای فرزنداناش باشد، بطور مستقیم دریافت کند.

ب) به علاوه قصور یکی از زوجین در تکلیف معاضدت خود، دارای ویژگی توهین<sup>۱</sup> می‌باشد و به همین دلیل می‌تواند علت طلاق باشد. (Jean Carbonnier, P. 89)

یکی از عللی که به موجب آن می‌توان تقاضای طلاق نمود، تخطی از وظایف و تعهدات مثل تکلیف معاضدت است. بنابراین در حقوق فرانسه نیز دو ضمانت حقوقی وجود دارد:

۱. الزام به پرداخت (به صورت ویژه پرداخت مستقیم)

۲. تقاضای طلاق.

### نتیجه و پیشنهادها

نتایج بررسی تطبیقی نفقه زوجه در فقه امامیه و حقوق فرانسه در این نوشتار به شرح زیر است:

در فقه امامیه رژیم واحدی بر روابط مالی زوجین حکومت می‌کند، زوجین دارای استقلال مالی هستند و اداره اموال هر کس با خود اوست. اما در حقوق فرانسه دو نوع رژیم افتراقی وجود دارد:

۱. رژیم جدایی اموال ۲. رژیم مشارکت در دارایی‌ها.

مبنای حق نفقه زوجه در فقه امامیه بر اساس ظرافت و لطافت جسم و روح زن، آیات و روایات دال بر وجوب انفاق بر زوجه است. در حقوق فرانسه، برخی مبنای الزام به انفاق را «قربانیت» می‌دانند و بعضی مبنای نفقه را «حس تعاون اجتماعی» می‌دانند.

شرایط وجوب نفقه زوجه در فقه امامیه دائمی بودن عقد ازدواج و تمکین کامل زوجه است و در حقوق فرانسه وجود رابطه زوجیت، احتیاج متعهده و امکانات متعهد انفاق است.

در فقه امامیه عواملی همچون نشوز زن، ارتداد زن، صغیر بودن زن یا شوهر، ابراء، مسافرت

زن، عبادت زن و تهاوتر سبب اسقاط نفقه زوجه می‌شود. در حقوق فرانسه اسقاط حق نفقه توسط متعهدله، خطای متعهد له و مرور زمان، محقق می‌شود.

در فقه امامیه پس از انحلال نکاح، در ایام عده طلاق رجعی، وجوب نفقه باقی است و در مورد نفقه زن در عده وفات در صورت عدم بارداری، تمامی فقیهان امامیه بر این باورند که نفقه در ایام عده‌ی وفات بر ذمه زوج نیست تا از ترکه برداشته شود، اما در صورت بارداری، بین فقها دو قول وجود دارد؛ برخی حکم به وجوب نفقه زن در عده وفات داده‌اند اما اکثر فقها با استناد به روایاتی دیگر، معتقدند که زن حامله‌ای که شوهرش فوت کرده، نفقه‌ای از ترکه شوهر و از سهمیه فرزند ندارد. بعضی از علمای حقوق قدیم فرانسه معتقد بودند که چون قرابت سببی منحصراً با ازدواج به وجود می‌آید با مرگ هم پایان یافته و آثار آن نیز به کلی محو می‌شود. و بعضی عقیده داشتند به اینکه فوت در آثار قضایی این پیوند هیچگونه تغییری به وجود نمی‌آورد.

در مورد معیار تعیین مصادیق و مقدار نفقه زن در فقه امامیه سه دیدگاه وجود دارد ۱. توان اقتصادی زوج ۲. وضعیت اجتماعی زن ۳. ملاحظه موقعیت زوجین. در حقوق فرانسه بدون تردید معیار تعیین میزان نفقه دو عامل است: ۱. میزان نیاز متعهدله نفقه ۲. میزان امکانات متعهد نفقه.

با توجه به اینکه اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف به رعایت حقوق زنان در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی می‌سازد، ضرورت دخالت دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و اجتماعی، کاملاً احساس می‌شود. از طرفی برای مردی که عاجز از پرداخت انفاق خانواده است و امکانات شغلی ندارد، باید فرصت شغلی مناسب ایجاد کرد تا کانون خانواده به خاطر مسائل مالی از هم نپاشد و از طرفی دیگر، نهاد یا سازمانی وجود داشته باشد که در صورت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه، بتواند با استفاده از شیوه‌های حقوق عمومی از آسان‌ترین و سریع‌ترین راه، بدون مواجهه حضوری زوجین، نفقه زن را استیفاء کند.

از این رو به نظر می‌رسد بهتر است در اجرای قانون‌های موجود، که به هر دلیلی کم اجرا هستند، تسریع و تسهیل شود و چتر حمایتی دولت و دستگاه‌های قانون‌گذاری، برای اقشار آسیب پذیر جامعه گسترده شود.

ماده ۱۲۰۵ق.م. مصوب ۱۳۷۰ در رابطه با ضمانت اجرای ترک نفقه توسط زوج نسبتاً خوب تدوین شده است، اما در راه اجرای این قانون، زنان با مشکلاتی روبرو می‌شوند. در قانون فرانسه برای رهایی زن از این نوع مشکلات از پرداخت مستقیم و پوشش عمومی استفاده شده است که قابل توجه و در صورت سازگاری با قوانین و مقررات اسلامی قابل اقتباس می‌باشد و می‌تواند کلیدی برای حل مشکلات رفاهی زنان باشد.

با توجه به این که به نظر می‌رسد چنین شیوه‌ای با فقه اسلامی و امامیه در تعارض نیست، بلکه می‌توان مدعی شد که از وظایف حکومت اسلامی نیز هست. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از آثار زیان بار ضمانت اجرای کیفری طلاق، به گسترش و هر چه اجرایی کردن الزام به پرداخت نفقه توجه شود. ضمانت اجرای کیفری طلاق هر چند در برخی موارد گریزی از آن نیست اما باید در جلوگیری از گسترش طلاق تأمل نمود.

بدین منظور پیشنهاد می‌گردد شاید اضافه نمودن تبصره به ماده ۱۲۰۵ق.م. راهگشای این معضل باشد.

تبصره اول، مربوط به شخص حقوق بگیری است که از دولت یا از کارفرمایان و شرکت‌های خصوصی حقوق دریافت می‌کند. این شیوه برای افرادی که احیاناً بر اثر اعتیاد یا مسائل دیگر به حیف و میل اموال می‌پردازند، بسیار مؤثر است. همچنین تبصره دوم، نسبت به افرادی که شغل آزاد دارند یا اموال دیگری دارند که شیوه یاد شده در تبصره اول کارا نیست باید به تبصره دو عمل نمود.

تبصره ۱: «دادگاه می‌تواند در صورت صلاحدید و با درخواست زوجه، قسمتی از حقوق مستنکف از پرداخت نفقه را که از طریق دولت یا کارفرمایان خصوصی به او پرداخت می‌شود، توقیف و دستور پرداخت مستقیم آن را به زوجه صادر کند».

تبصره ۲: «دادگاه در صورت درخواست نفقه زوجه و در صورت صلاحدید، می‌تواند حق نفقه زن را از اموال مستنکف پرداخت نفقه، به وسیله توقیف و یا فروش اجباری اموال وی؛ تضمین نماید. قانون به شرطی به طلبکار اجازه از طریق حقوق عمومی را می‌دهد که به وسیله سایر امکانات نتوانسته باشد، مستمری خود را کسب کرده باشد».

از طرفی دیگر، برای زنان مطلقه‌ای که در حالت نیاز هستند و منبع درآمدی ندارند نیز باید فکر و تدبیری اندیشید و امکانات حمایتی برایشان تدارک دید، مثلاً شوهر مکلف شود در حالت نیازمندی زن و در صورتی که طلاق ناشی از سوء رفتار و قصور زن نباشد، زندگی او را تا رفع نیاز و یا ازدواج مجدد، تأمین نماید. و در مورد زن شوهر مرده نیز می‌توان از ترکه شوهر، این خسارت را جبران کرد.

## منابع و مأخذ

### قرآن مجید

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵)، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه.
۲. آردبیلی، احمد، بی تا، زیده البیان فی أحكام القرآن، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳. امامی، سید حسن، (۱۳۹۱)، حقوق مدنی، ج ۴، بی جا، انتشارات اسلامیة.
۴. انصاری، محمد علی، (۱۴۱۵)، الموسوعة الفقهية الميسرة، بی جا، مجمع الفكر الإسلامي.
۵. بحرانی، یوسف، (۱۴۰۹)، الحدائق الناضرة، قم، مؤسسه النشر الإسلامي.
۶. حکیم، سید محمد سعید، (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، بی جا، دار التعارف للمطبوعات.
۷. حلی (محقق حلی)، ابوالقاسم، (۱۴۰۹)، شرائع الإسلام، قم، انتشارات استقلال.
۸. شریف، علی، (۱۳۷۶)، نقفه و تمکین در حقوق خانواده، بی جا، بشارت.
۹. صادقی، شهره، (۱۳۹۰)، نقفه زوجه در مذاهب خمسة، قم، بوستان کتاب.
۱۰. صدوق، محمد، (۱۴۰۴)، من لا يحضره الفقيه، بی جا، مؤسسه النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
۱۱. طباطبائی، محمد حسین، بی تا، تفسیر المیزان، تهران، مؤسسه النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
۱۲. طوسی، محمد حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية.
۱۳. طوسی، محمد حسن، (۱۴۰۹)، التبيان في تفسير القرآن، بی جا، مكتب الإعلام الإسلامي.
۱۴. عاملی الجبلی، (شهید ثانی) زین الدین، (۱۴۱۳) مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع إسلام، بی جا، مؤسسه المعارف الإسلامية.
۱۵. عاملی (شهید اول) محمد، (۱۴۱۱)، اللمعة الدمشقية، قم، دار الفكر.

۱۶. فرشتیان، حسن، (۱۳۸۱)، نفقه زوجه پژوهش تطبیقی حقوق مدنی ایران و سایر نظام‌های حقوقی، قم، بوستان کتاب.
۱۷. قاضی، عبدالعزیز، (۱۴۰۶)، *المهذب*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۱۸. قمی، میرزا ابوالقاسم، (۱۳۷۵)، *جامع الشتات*، بی‌جا، سازمان انتشارات کیهان.
۱۹. کلینی، م.، ۱۳۶۷، *الکافی*، تهران، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۰. محسنی، سعید، (۱۳۷۹)، *نفقه زوجه در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه*، دانشگاه امام صادق، دانشکده معارف اسلامی و حقوق.
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۰)، *بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۲. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰، *منهاج الصالحین*، قم، مهر.
۲۳. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۶)، *جواهرالکلام*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۴. هندی، فاضل، (۱۴۲۰)، *کشف اللثام*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
25. Carbonnier, Jean, *Droit civil : Introduction*. 27<sup>e</sup> édition, Paris : Presses universitaires de France, 2002, Collection Themis droit privé
26. Encyclopedie dalloz, droit civil régimes matrimoniaux, paris : dalloz
27. Henri et Leon Mazeaud, *lecons de Droit Civil* (paris, Editions Montchresliem, cinquieme Edition. 1982.
28. Pélissier , Jean. *Les obligations alimentaires*. thèse. Paris : 8 editions 1961
29. Rubellin-Devichi, Jacqueline et al. *Droit de la famille*. Paris: Edition Dalloz. 1996.